

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به تبلیغ و نه ... تنها برای خواندنست ...

۷۵

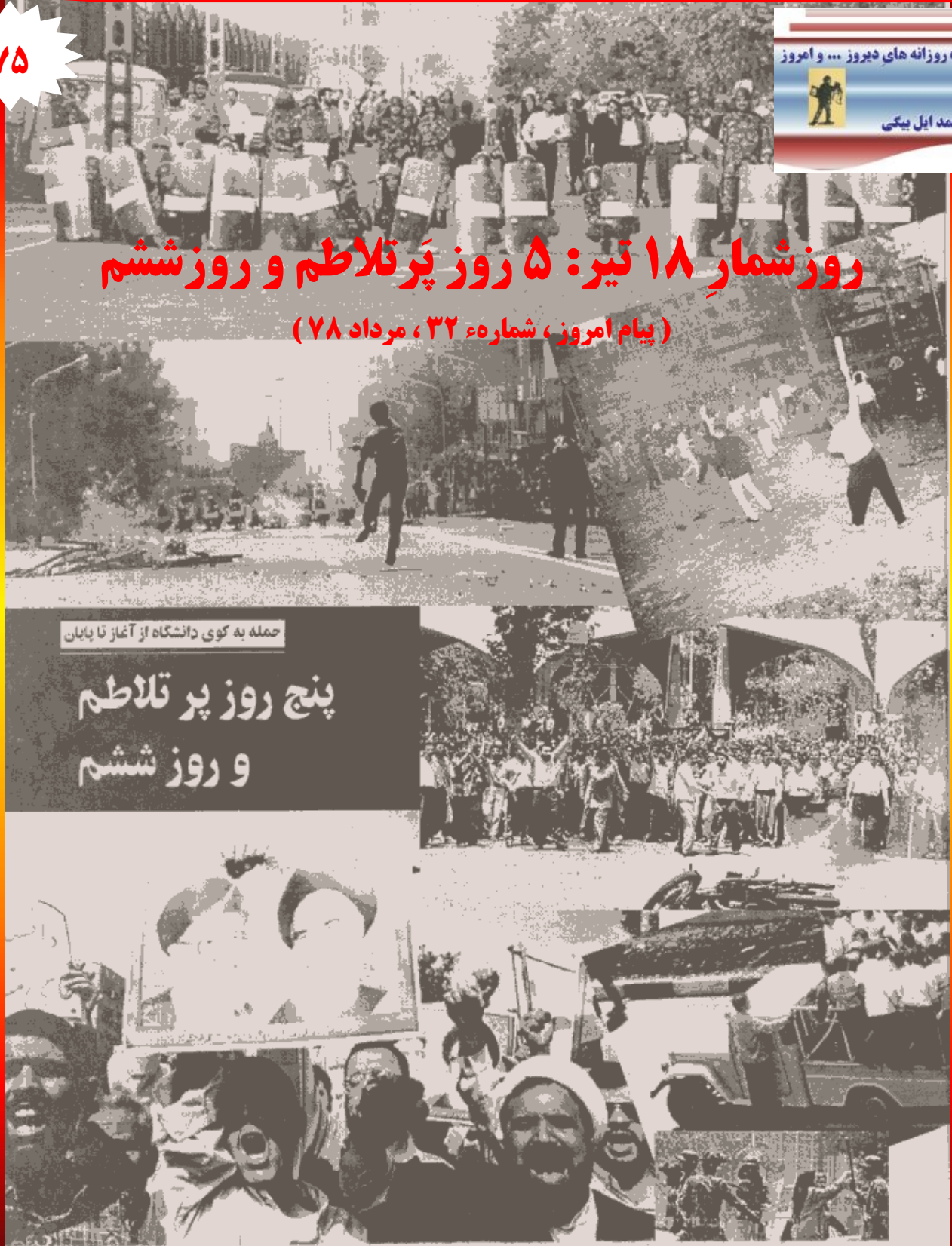
گاه روزانه های دیروز ... و امروز



محمد ایل بیگی

روز شمار ۱۸ تیر: ۵ روز پرتلاطم و روز ششم

(پیام امروز ، شماره ۳۲ ، مرداد ۷۸)





سازمان

شماره سی و دوم - مردادماه ۱۳۷۸ ، ۳۰ شهریور
ماهنامه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی



پیام آن که جهان با قدرت است



طرح روی جلد: محمد رامهریزی
عکس ها از: کامران جبرئیلی و حسن سرتخشیان

فهرست	۳
گزارش ویژه	۴
ناوان	۷
پنج روز پر تلاطم و روز ششم	۲۸
سلام را به خاطر بسیار	۳۲
الو سلام	۳۶
از نگاه دیگران	۴۰
ایرانیان چه می خواهند، گورباچف یا دنگ شیائوپینگ	۴۱
خانمی در بوته آزمایش	۴۲
پر سر سه راهی	۴۴
به دشواری می توان جنبش اصلاح طلب را شکست داد	۴۷
آغاز دگرگونی در بنیاد	۴۸
کتابخانه	۶۷
معرفی کتاب	۷۱
فرهنگی با تعاریف کامل و مثال های روشن: پک بررسی	۷۸
بازتاب	۸۶
دو نامه از فرج سرکوهی	۹۲
پشت پرده تاریخ	۹۵
قرار بود مامور ساواک را بزنند، تیمور بختیار هدف قرار گرفت	
مقررات، صادرات، واردات	
مجلس	
همه چیز برای انتخابات مجلس ششم	
صنعت	
حرفها گفته شد اما گره ای گشوده نشد	
پیام امروز شماره ۳۲	
مرداد ۱۳۷۸ - ۱۰۰ صفحه	
ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی	
صاحب امتیاز و مدیر مسئول	
دکتر محمد زاهدی اصل	
سر دبیر: عمید نائینی	
دبیر هنری: مرتضی سبزی	
طراح: اردشیر رستمی	
سرپرست آنلاین:	
حمده الله بداعی	
آنلیه گرافیک:	
کیاندهخت نوقان	
مژده مشایخی	
حروفچینی:	
فهیسه توکلی، میترا تمجیدی	
لیتوگرافی: ارغوان ۸۸۲۷۷۳۷	
چاپ مشکلی: چاپ گستر ۸۸۲۳۶۵۱	
چاپ رنگی: صنوبر ۷۵۰۷۳۹۶ - ۷۵۰۶۱۵۰	
صحافی: صبح امروز ۷۵۳۲۱۲۰	
تهران، خیابان دکتر شریعتی	
بالتر از دوراهی قلعهک پلاک ۱۴۷۴ صندوق پستی	
۱۵۸۷۵ - ۶۷۴۹	
تلفن: ۲۶۱۷۲۶ - ۲۶۳۸۳۰ - ۲۶۰۰۱۰	
فاکس: ۲۶۳۷۳۸	



فهرست مشترک در صفحه آخر

عصر روز پنجشنبه ۱۷ نیر ماه اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه تهران در نشستی تصمیم می‌گیرند در برابر تصویب لایحه مطبوعات و تعطیل روزنامه سلام تظاهراتی ترتیب دهند، اما پیش از آنکه آنان بتوانند تصمیمات خود را سازمان دهند، کوی دانشگاه در خود جوشیده بود. دانشجویان متقیم کوی دانشگاه تهران از ساعت ۲۲ پنجشنبه، از کوی بیرون زدند و با شعارهایی در انتقاد از مجلس، تا تقاطع آل احمد راه پیمائی کردند و بازگشتند. دکتر کوهی مدیر کوی در این فاصله با کلانتری یوسف آباد تماس گرفت و نیروی انتظامی در محل حاضر شد اما دخالتی در ماجرا نکرد و جریان به آرامی پیش رفت چنانکه دانشجویان هنگام بازگشت به کوی شعار نیروی انتظامی - تشکر تشکر سردادند. این حوالی نیمه شب بوده است.

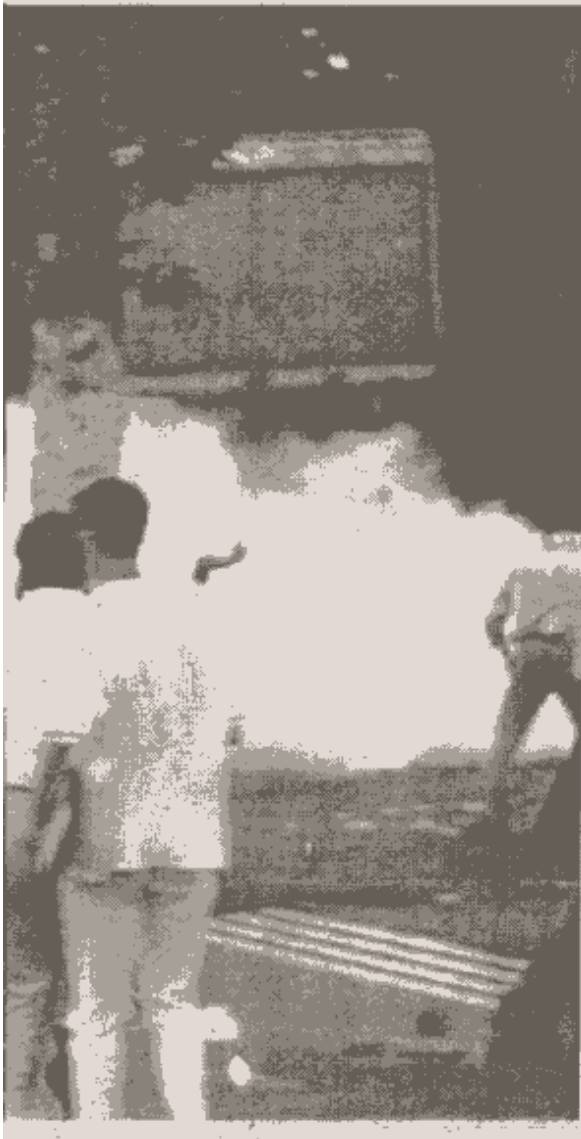
رضا حجتی، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی می‌گوید وقتی در اخبار نیمه شب شنیده است که وزارت اطلاعات شکایت خود را از روزنامه سلام پس گرفته، شتابان به محل تجمع دانشجویان رفته تا خبر را به آنها برساند. او، دانشجویان را در حال بازگشت به کوی جلو دانشکده فنی، می‌بیند و خبر را به آنها می‌دهد. بین دانشجویان بحث در می‌گیرد که با توجه به پس گرفتن شکایت وزارت اطلاعات آیا دیگر تظاهرات و راه پیمائی ضرورتی دارد یا نه؟ جمعیت آهسته آهسته به کوی می‌رسد. برخی از آنها که گفته می‌شود حداکثر ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفر بوده‌اند، به داخل می‌روند و حدود ۱۰۰ نفر بیرون می‌مانند. این موضوع با ورود نیروهای انتظامی دیگری به فرماندهی سرتیپ احمدی همزمان می‌شود که به محض ورود برخورد تند و خشونت‌آمیزی نشان می‌دهند. دکتر کوهی مدیر کوی

پیش می‌رود و می‌گوید که تظاهرات در حال پایان گرفتن است، لطفاً شما دخالتی نکنید تا ماجرا پایان بگیرد. اما سرتیپ احمدی که ظاهراً در لباس شخصی به مأموریت آمده بود دکتر کوهی را هل می‌دهد و می‌گوید شما اگر می‌خواستید این بساط را جمع کنید، آن را تشکیل نمی‌دادید.

در این زمان به دستور سرتیپ احمدی می‌تپه پلیس ضد شورش باتوم به دست به دانشجویان حمله ور می‌شوند و دانشجویان را که هنوز همگی آنها به داخل کوی نرفته بودند، به یاد کتک می‌گیرند. تاج‌زاده معاون وزیر کشور می‌گوید: این حمله با این هدف صورت می‌گیرد که دانشجویان به داخل بروند ولی درگیری پیش می‌آید و سر و صدا می‌شود و تعداد قابل توجهی از دانشجویان از داخل خوابگاه بیرون می‌آیند. جمعیت به ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر می‌رسد و درگیری آغاز می‌گردد. نیروی انتظامی از این سو یا باتوم حمله می‌کند و از آن سو دانشجویان به پرتاب سنگ می‌پردازند. ساعت حدود نیم بامداد چنین فضائی بر کوی حاکم بوده است. در این زمان دکتر سلیمانی معاون دانشجویی دانشگاه به کوی می‌رسد. از فرماندهان می‌خواهد فرصت بدهند تا مسأله را حل کند. نزد دانشجویان می‌رود و از آنها می‌خواهد به داخل کوی بازگردند. اما دانشجویان مقاومت می‌کنند و می‌گویند ما جمله شده و تعدادی از ما را مجروح کرده‌اند. نیروی انتظامی باید ابتدا کسوی را ترک کند. فرماندهی اما زیر بار نمی‌رود. در این زمان آقای تعالی مدیر کل سیاسی انتظامی استانداری تهران به محل رسید و از دانشجویان خواست که به کوی بازگردند. ولی دانشجویان راضی نشدند. او دانشجویان را در مقابل کوی در خیابان می‌تشانند و برای آنها

سخنرانی می‌کند و از آنان می‌خواهد که به تظاهرات پایان دهند. قضیه داشت به خوبی و خوشی پیش می‌رفت که ناگهان سه تیر هوائی شلیک می‌شود، و دانشجویان دوباره تحریک می‌شوند. زحمت «تعالی» از بین می‌رود. دکتر سلیمانی چند بار پیش فرماندهان می‌رود و از آنان می‌خواهد کوتاه بیایند و فرمان عقب نشینی بدهند تا قضیه تمام شود ولی آنان هم به او و هم به دکتر کوهی توهین می‌کنند. دانشجویان خواستار آنند که ابتدا نیروی انتظامی عقب نشینی کند، نیروی انتظامی می‌گوید ابتدا باید دانشجویان به داخل کوی باز گردند.

از ساعت ۲ صبح تیمسار نظری به کوی می‌رسد و پیش از آن که وارد شود دستور می‌دهد بگان ضد شورش، به منطقه اعزام شود. نظری و رضایی (معاون استاندار) تا ساعت ۴ صبح در عین حضور در صحنه به مذاکره و رایزنی می‌پردازند. در این زمان فرمانده انتظامی ناگهان اعلام می‌کند که دانشجویان فقط ۵ دقیقه مهلت دارند. به داخل کوی بازگردند و در انقضای مدت دستور ورود نیروهای انتظامی را به داخل کوی می‌دهد و آنها با ضرب و شتم دانشجویان وارد کوی می‌شوند. دانشجویان در مقابل، سه تن از نیروی انتظامی را گروگان می‌گیرند. بعدها



فرماندهان نیروی انتظامی گفتند که چون سه تن از اعضای نیرو گروگان گرفته شده بودند، به داخل کوی حمله کرده‌اند، در حالی که بنا به گفته دانشجویان و نیز به گفته کسانی که درباره ماجرا تحقیق کرده‌اند، از جمله تاج‌زاده معاون سیاسی وزارت کشور، وقتی نیروهای انتظامی ساعت ۴ صبح به داخل کوی ریختند، موضوع گروگان‌گیری پیش آمد.

در این فاصله، وزیر کشور از طریق رضایی از ماجرا باخبر می‌شود و با سردار انصاری جانشین فرمانده نیروهای انتظامی تماس می‌گیرد و دستور می‌دهد که به هیچ وجه وارد کوی نشوند،

و کسی نیراندازی نکند و گاز اشک‌آور هم نیندازند، ولی به گفته تاج‌زاده، نیروی انتظامی بار دیگر در ساعت ۷ صبح با نمرود از دستورات وارد کوی می‌شود.

روزنامه جبهه بعدها به وزیر کشور ایراد گرفت که تا ساعت ۷ صبح در دسترس نبوده و هر بار نیروهای انتظامی خواسته‌اند با او تماس بگیرند، پاسخ شنیده‌اند حاج‌آقا خواب است. حرف‌های جبهه از آن نظر جالب است که سردبیر آن، ده نمکی در ماجرا حضور داشته و بنا به گزارش یکی از روزنامه‌ها رهبری عملیات انصار حزب الله را بر عهده داشته است که در تلخ کردن ماجرا نقش

موتوری داشته‌اند. اما ده نمکی روزهای بعد آن گزارش‌ها را تکذیب کرد. و نوشت به علت آنکه دو تن از خبرنگاران جبهه مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند، من به کوی دانشگاه رفتم و تا جایی که توانستم از برادران (حزب الله) خواستم که محل را ترک کنند تا نیروی انتظامی بتواند کارهای لازم را انجام دهد. با وجود این گزارش روزنامه‌ها و هم سخن مقامات، حکایت از آن داشت که گروه‌های فشار عامل اصلی درگیری بوده‌اند. بهاء‌الدین شیخ الاسلام سخنگوی وزارت کشور گفت: دانشجویان پس از بازگشت به کوی دانشگاه تهران با

حمله تعدادی از افراد که لباس شخصی به تن داشتند و به سمت آنان سنگ پرتاب می‌کردند، روبه‌رو شدند.

صبح جمعه دانشجویان خبر از کشته و زخمی شدن بسیاری می‌دادند. اساساً شمار ۱۸ نیرماه ۱۶ آذر ماست که روزهای بعد بارها به وسیله دانشجویان تکرار شد، اشاره به کشته‌ها و زخمی‌های همان شب دارد اما تاج‌زاده معاون سیاسی وزارت کشور بعدها روایت دیگری ارائه داد:

«با رسیدن صبح ... دو جریان وارد عمل می‌شوند. یکی جریان‌هایی که سعی می‌کنند از

دود گاز اشک‌آور محروبه دانشگاه تهران را بر کرده است



فضای ایجاد شده بهره برداری کنند و خودشان را به عنوان رهبری دانشجویان جا بزنند ... عده دیگری هم که سعی داشتند دانشجویان آرام بگیرند. بزرگترین شاهد من برای این مدعا این است که ما شب اول علیرغم همه فجایمی که در کوی انجام می شد، هیچ کشته ای نداشتیم اما شب دوم که من آنجا بودم و همه تلاشم این بود که دانشجویان را آرام کنم، در همان شب با کلت ۴۵ تیراندازی صورت می گیرد که تاکنون دو نفر شهید شده اند.

یکی همان افسر وظیفه ای که اعلام شد و در پل دختر دفن شد و یکی هم یک جوان ۱۵ ساله. یک سرهنگ نیروی انتظامی هم با همین گلوله فرد ضارب مجروح می شود و من یقین دارم کسی که گلوله را شلیک کرده، حتماً به قصد کشت زده ... و به قصد اغتشاش...»

به هر روی، بامداد جمعه، تهران در حالی از خواب برمی خاست که کوی دانشگاه خشمگین، زخمی و غرق در بهت و حیرت بود. دانشجویان یا مصدوم بودند و در راه بیمارستان و یا بدتر از آن روح و روان شان زخم خورده بود. آنان که روانه بیمارستان شدند - به روایتی حدود ۵۰ تن که از ناحیه سر و دست آسیب دیده بودند - هنوز حتی به صورت سریایی درمانی نشده، به وسیله نیروهای انتظامی به جاهای دیگر منتقل و بازداشت شدند. تنها کسانی در بیمارستان باقی ماندند که حالشان وخیم بود. اطلاعاتی روابط عمومی دانشگاه تهران که همان روز صادر شد رقم بازداشت شدگان را حدود هزار نفر اعلام کرد. آنان که در کوی مسانده بودند و احتمالاً اهل اعتراض و تظاهرات هم نبوده اند، ناگهان اطراف خود را در وضعی یافتند که مورد هجوم قوم مغول قرار گرفته است. همه شیشه ها شکسته بود، درها یا از جا کنده

شده یا خرد شده بود، رختخواب ها را آتش زده بودند و به کتاب ها و جزوه ها هم رحم نکرده بودند، بعضی اتاق ها طعمه آتش شده بود و بدتر از همه آن بود که وقتی دانشجویی را از اتاقی حتی از طبقه دوم به پایین پرت می کردند، می گفتند با حسین از ما قیول کن. حرف هایی که روزهای بعد نقل می شد حکایت خشونت بی حساب داشت. از قول یک دانشجوی بوسنیایی نقل می کردند که صرب ها هرگز

دانشجوی بی تفاوتی را هم به صحنه می کشاند و برای تظاهرات روزهای بعد آماده می کرد. تازه گروه های فشار بی کار ننشسته و در طول صبح جمعه سه بار به کوی ریخته بودند.

پس از اذان ظهر، دانشجویان در مقابل در اصلی کوی دانشگاه نماز جماعت خواندند، سپس با سر دادن شعار، خواستار آزادی دانشجویان بازداشت شده شدند. در این هنگام چند مونسوار وابسته به گروه فشار با رفت و آمد از مقابل دانشجویان به معترضان

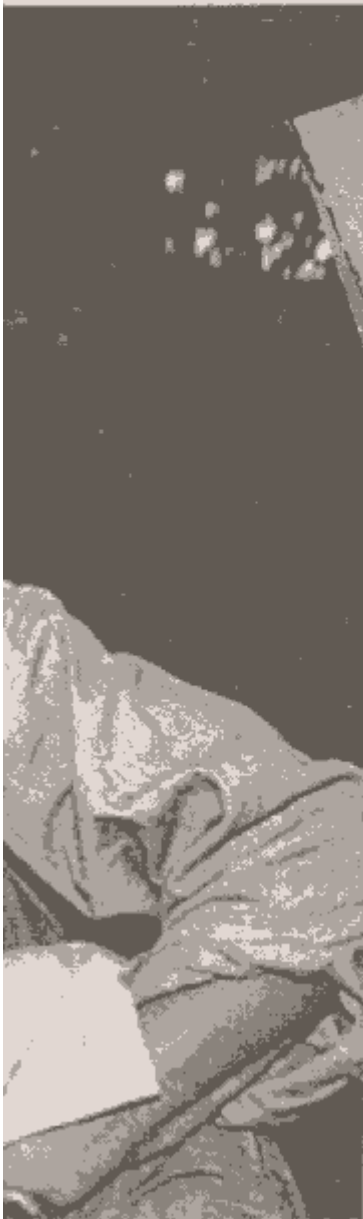


منظره یکی از اتاق های کوی دانشگاه پس از تهاجم صبح جمعه ۱۸ تیر

توهین می کردند. چند دقیقه بعد جمعی از نیروهای فشار توسط دو دستگاه وانت نیشان در مقابل چشم ماموران به صحنه وارد شدند و با چوب و سنگ و سیله های آهنی به دانشجویان و عابران از زن و مرد حمله کردند. هر کس که معترض می شد او را با مشت و سیلی و چماق می زدند. حدود ۲۰۰ تن در ساعت ۱۴ با پشتیبانی نیروهای انتظامی وارد کوی شدند و به مدت بیست دقیقه دانشجویان را به باد کتک گرفتند. یکی از فرماندهان در این هنگام با دستگاه از بلندگوی یک خودرو، از گروه فشار خواست که محل را ترک کنند اما آنان به

با آنان چنین نکرده اند. شایع بود که یک دانشجوی پاکستانی را از طبقه دوم به حیاط پرت کرده اند و برخی می گفتند اگر عراقی ها تهران را اشغال کرده بودند، هرگز با ما چنین نمی کردند. شاید رقم خسارت که بعدها اعلام شد بتواند تصویر روشن تری به دست دهد. ۲۴۰۰ تخت شکسته به همراه ۸۰۰ میلیون تومان خسارت. یک روزنامه نگار هنگام نقل این ارقام گفت: فرمانده آن گروه خشن می تواند به خود بیسالد که زیردستانش توانسته اند در آن فرصت اندک این همه خسارت به بار آورند. دیدن این صحنه ها هر

گفتگو با ماموران پرداختند. در این زمان ماموران ضدشورش گروه فشار را به پایین خیابان هدایت کردند ولی گفتگوی سران آنان با ماموران ادامه یافت. دانشجویان از داخل شعار مرگ بر استبداد سر می دادند و این که ۱۸ تیر ماه ۱۶ آذر ماست، درگیری های پراکنده از ساعت ۱۰ به بعد نیز ادامه داشت و دانشجویان در مقابل در کوی چند حلقه لامستیک آتش زدند. دانشجویان با دادن شعارهایی خواستار استعفای لطفیان فرمانده



نیروی انتظامی می‌شوند و همچنین خواستار استعفای روسای دانشگاهها و وزیر علوم در اعتراض به وضع پیش آمده. بنا به پاره‌ای گزارش‌ها برخی دانشجویان بازداشت شده عصر همان روز جمعه در مقابل در کوی آزاد شدند که روی بدن آنها آثار ضرب و جرح دیده می‌شد. در جانب دیگر، ساعت ۳ بعدازظهر در شورای نامین استان، موضوع دانشگاه مورد بررسی قرار داشت. ناج‌زاده می‌گوید قائم‌مقام

وزارت اطلاعات اصرار داشت که افرادی مثل ما که احتمالاً برای دانشجویان شناخته شده هستیم، به کوی دانشگاه برویم و مساله را همان‌جا حل کنیم. من و دکتر فرهادی و دکتر معین و موسوی لاری همگی بعدازظهر به کوی دانشگاه رفتیم. در ابتدای ورود وزیر کشور، دانشجویان که تصور می‌کردند او بر نیروهای انتظامی تسلطی ندارد، شعاع می‌دادند، وزیر کشور ما - اقتدار، اقتدار، با

وجود این جو دانشگاه یکبارچه به نفع او نبود و هنگامی که او دانشجویان را به آرامش دعوت می‌کرد شعارها علیه او تند شد: وزیر بی‌کفایت، استعفا، استعفا. جو علیه او آنقدر شدید شد که او نتوانست به راحتی سخن بگوید و در میان هیاهو، عمایه از سرش افشاد و نکاسان که فرصت مناسبی یافته بودند، وقتی خواستند در آن حالت عکسی از او بگیرند، یکی از محافظان دست خود را مقابل دوربین‌ها گرفت و

مانع آنها شد. وزیر کشور ناچار شد از راه رفته بازگردد، ولی این حرکت دانشجویان سبب نشد که روزهای بعد، او جانب آنها را رها کند. دانشگاه عصبانی بود اما چندان زخم خورده بود و چنان فاجعه‌ای بر او گذشته بود که مقامات هم نمی‌توانستند از همدلی با آن خودداری و سکوت پیشه کنند. برادر خاتمی در جمع دانشجویان حضور یافت، دانشجویان با فریاد خواستار

دانشجویی که از گاز اشک‌آور بی‌هوش شده به بیرون از صحنه کشانده می‌شود

